

سقف دستمزدها و اعتراض‌های کارگری در ایران

مهیندخت مصباح

بیست هفتم اسفند ماه هشتاد و شش



اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، بیانیه‌ای خطاب به شورایی عالی کار و کمیته دستمزدها نوشته که شامل اعتراض به سطح زندگی کارگران و حقوق نازل آنهاست. در این بیانیه به قدرت خرید کارگران اشاره شده که هر سال کاهش می‌یابد. کارگران در این بیانیه از مسئولان می‌پرسند آیا حاضرند تنها یکماه، با حقوق کارگری و زیر خط فقر زندگی کنند؟

تا کنون دوهزار کارگر کارخانجات مختلف در غرب و جنوب و مرکز ایران،

با امضای خود از این بیانیه حمایت کرده‌اند. آنها می‌گویند چطور در حالی که یک خانواده چهار نفری با کمتر از یک میلیون تومان در ماه نمی‌تواند در جامعه کنونی ایران زندگی انسانی بکند، حداقل دستمزد یک کارگر، ۲۱۹ هزار تومان تعیین شده است؟ **جعفر عظیم‌زاده**، سخنگوی اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار در گفتگو با دویچه وله، درباره این حرکت اعتراضی توضیح می‌دهد.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار کی تشکیل شده؟ چه فعالیت‌هایی دارد؟

این اتحادیه، فروردین سال ۸۶ با برگزاری اولین مجمع عمومی خود، اعلام موجودیت کرد. تاریخچه ایجاد آن به اوایل سال ۸۵ بازمی‌گردد که موج اخراج‌های کارگری شروع شد. ما آذرماه سال ۸۵ هیات موسس اتحادیه را تشکیل داده و فعالیت‌مان را رسماً شروع کردیم. مجمع عمومی ما، در ۲۴ فروردین ۸۶ با شرکت کارگران برخی مراکز تولیدی و صنعتی برگزار شد. اعضای این اتحادیه عموماً کارگران اخراجی و بیکار به اضافه کارگران قرارداد موقت کارخانه‌ها هستند. طبق اساسنامه اتحادیه ما، کارگرانی که قرارداد موقت دارند و هیچگونه امنیت شغلی ندارند، جزو کارگران شاغل ثابت نمی‌دانیم. عمده‌ترین نیروی ما در حال حاضر این کارگران هستند. هیات مدیره‌ی ما ۱۵ نفر عضو دارد، جلسات ماهیانه تشکیل می‌دهد و رییس هیات مدیره ما آقای شیت امانی است که الان به دوسال و نیم زندان محکوم شده است. نایب رییس اتحادیه داریم آقای خالد سردانی است. من هم مسئول روابط عمومی و سخنگوی اتحادیه هستم.

چرا رییس هیات مدیره در زندان است؟

اتحادیه امسال در سبندج برای برگزاری روزکارگر فراخوان داد. این مراسم جلوی اداره‌ی کار سبندج برگزار شد و مورد حمله‌ی نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفت. ۱۳ نفر از دوستان کارگر ما پس از ضرب و شتم، آنجا بازداشت شدند. ۱۱ نفرشان هر یک به سه ماه و یکروز زندان و ۱۰ ضربه شلاق محکوم شدند. البته این ۱۱ نفر همانموقع هم که دستگیر شدند، هرکدام بین ۹ الی ۱۰ روز زندان ماندند. آقای شیت امانی رییس هیات مدیره و صدیق کریمی یکی دیگر از اعضای هیات مدیره هرکدام ۴۰ روز در زندان ماندند و دادگاه بدوی برای اینها حکم دوسال و نیم زندان را

صادر کرد. احکام شلاق هم گرفته بودند که دادگاه تجدیدنظر تایید کرد و در بهمن ماه ۵ نفر از دوستان ما را شلاق زدند. ما اعتراض‌های گسترده‌ای کردیم. به اتحادیه جهانی کارگری نامه نوشتیم و خواستار شدیم که نامه ما بعنوان شکایت رسمی ثبت شود. پس از اعتراض‌ها، فعلا احکام شلاق زدن به کارگران را معلق کرده‌اند. در واقع ۶ نفر هنوز باقی مانده‌اند که حکم شلاق دارند ولی اگر قرار باشد آنها را ببرند، قطعا مقاومت می‌کنند و خانواده‌هایشان تجمع خواهند کرد. در رابطه با حکم آقای شیت امانی و صدیق کریمی هنوز دادگاه تجدید نظر رای خودش را صادر نکرده است. یادآوری کنم که آن سه ماه و یکروز زندان این ۱۱ نفر به جریمه نقدی تبدیل شده است.

راجع به مشکلات صنفی‌تان، دستمزدها، حقوق بیکاری، طبق بندی مشاغل توضیح بدهید...

ظرف سی سال گذشته طبقه‌ی کارگر ایران، هر سال به نسبت سال گذشته، بی‌حقوق‌تر شده است. بویژه طی دهسال گذشته قراردادهای دائمی تماما به قراردادهای موقت تبدیل شده‌اند، به طوری که الان ۷۰ الی ۸۰ درصد کارگران در ایران به صورت قرارداد موقت کار می‌کنند. کارگر قرارداد سفید را امضا می‌کند، بعد کارفرما هر بلایی بخواهد بعدا سر او بیاورد، وارد می‌کند. قبلا قراردادها مثلا ۶ ماهه و یکساله بود، ولی الان دیگر قرارداد به صورت یکماهه و حداکثر دوماهه است. طی سی سال گذشته دستمزدها بشدت افت کرده‌اند، حقوق کارگری، حتا کفاف اجاره خانه یک خانواده‌ی ۴ نفره را بویژه در مراکز استانها نمی‌کند. الان مثلا فعالین شوراهای اسلامی اعلام کرده‌اند که در شهر صنعتی قزوین، اجاره خانه ماهی ۲۲۰ هزار تومان است در حالیکه امسال حداقل دستمزد را ۲۱۹ هزار تومان تصویب کرده‌اند. طبقه‌بندی مشاغل عملا در این سالها انجام نگرفته و ما همین الان عضوی در اتحادیه داریم که با ۲۳ سال سابقه کار، کل دریافتی اشز ۲۳۰ هزار تومان است. اینطور هم نیست که مزایای دیگر باشد که حقوق کارگر، در نهایت ۵۰۰ یا ۷۰۰ هزار تومان بشود. حق خواربار یک کارگر در ماه ۸۰ تا ۱۰۰ تومان است. این پول یک بسته آدامس هم نیست. الان یک بسته آدامس، ۱۰۰ تومان است. حق مسکن کارگر، ۱۰ هزار تومان است...

قبلا حق عائلهمندی میدادند، سالی یکبار لباس میدادند، بن میدادند برای خرید از یکسری فروشگاهها. اینها را هم دیگر نمی دهند؟

الان سروته بن را زده‌اند. ولی لباس کار نمی‌دهند. مثلا کارگرهای شرکت واحد اگر خاطرتان باشد، یکی از خواست‌هایشان همان لباس کار بود. می‌خواهم بگویم حق و حقوقی که طبقه‌ی کارگر ایران طی مثلا در ۲۰ سال گذشته داشت، به شدت ضایع شده. امروز در ایران، کارگر مثل یک برده است. بحدی برده است که وقتی می‌رود مراسم خود را برگزار کند، شلاق می‌خورد. کارگری که شلاق خورده، پنجاه سالش است، دخترش دانشگاه می‌رود. آنوقت این آدمی که سالها زحمت کشیده، زیر فشار زندگی خورد شده، دراز می‌کنند، شلاق می‌زنند. به هر گوشه‌ای از زندگی کارگر در ایران نگاه کنید، از دستمزد تا طبقه‌بندی مشاغل تا نوع قراردادها تا اخراج‌ها، فکر نمی‌کنم در دنیا، حتا در افغانستان هم اینجوری باشد. الان اجارمخانه به ویژه در مرکز استانها از ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان است. تازه ۳۰۰ هزار تومان برای زیرزمین و بیغوله است. یک خانه با استاندارد مناسب، برای چهار نفر دستکم ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان کرایه دارد. آنوقت حداقل دستمزد کارگر را ۲۱۹ هزار تومان در سال آینده تعیین کرده‌اند و نهایت‌اش

اینجا حق خواربارش ۸۰ تا تک تومان است. مسکن اش ۴۰ ۳۰ تومان می‌دهند. یعنی رویهم سقف دستمزد یک کارگر ۲۶۰ هزار تومان می‌شود.

الان به شورای عالی کار، کمیته‌ی دستمزد نامه نوشته‌اید و به وزارت کار هم رونوشت کرده‌اید. واقعا امیدی دارید با این توضیحاتی که می‌دهید، با این رفتارهایی که با شما می‌شود که ترتیب اثر بدهند و اصلا توجه کنند؟

تا بحال که توجه نکرده‌اند. اما واقعیت اینست که هر روز در ایران، یکی دو اعتصاب و تجمع کارگری هست. کاری که ما می‌کنیم، می‌تواند به یک حرکت سراسری مقتدرانه تبدیل شود. کارگران ایرانی، در طول سالهای گذشته هیچ وقت تشکل نداشتند، هرگاه کارگر خواسته از حقوق خود دفاع کند، از دستمزد و مسکن و اخراج بگوید، بلافاصله موضوع را امنیتی کرده‌اند. این باعث شده که طبقه کارگر، قدرت سازماندهی یک اعتراض مقتدرانه را مانند کشورهای اروپایی نداشته باشد. طبق کارگر ایران به شدت معترض و آگاه است، ولی با توجه به فشارها و سرکوبهایی که دیده، هنوز به آن سطح نرسیده است. طومار ما را اگر نگاه کرده باشید، می‌بینید که استقبال از جنوب تا شمال و غرب کشور پیش رفته است. ممکن است فردا ما این طومار را ببریم به شورای عالی کار بدهیم و ترتیب اثر ندهند، ولی واقعیت این است که این حرکت، نهایتا موجب اتحاد کارگران اعتراضات سازمان یافته‌تر آنها میشود. اگر این امضاها به ۵۰ یا ۱۰۰ هزار برسد، اینها قطعاً عقب‌نشینی می‌کنند. قطعاً تجدیدنظری را می‌کنند.

آنطور که من در طومار شما می‌بینم حدود ۱۵۰۰ امضا هست. آیا هنگام جمع‌آوری امضا، احساس نکردید که کسانی دچار محافظه کاری شده‌اند؟ کسانی نگرانند که موضوع امنیتی نشود؟ یا برعکس، دیدید که همبستگی هست و بحث چپی و راستی و نگرانی از انگ سیاسی نیست....

در رابطه با آن انگ سیاسی باید بگویم که این انگ را آنقدر در سالهای گذشته زده‌اند که واقعا نخ نما شده و الان کارگرهای ایران از این مسئله بطور واقعی عبور کرده‌اند. الان شرایط دیگر مثل ۵۶ سال پیش نیست که به کارگری بگویند آقا این کاری که تو می‌کنی سیاسی است و او کوتاه بیاید. ما در همین ۱۴ روز اول اسفند، ۵۰ مورد اعتراض و اعتصاب و تجمع کارگری داشتیم. تازه اینها، آنهایی بودند که خیرشان درز کرده است. می‌دانید که به لحاظ خبری، مضیفه‌های زیادی در ایران وجود دارد. کارگران ایران دیگر مرعوب اینکه آقا کار تو سیاسی است، نمی‌شوند. این طومار را هم ما هرکجا بردیم، بشدت استقبال کردند. هیچ کارگری محافظه‌کاری از خود نشان نداده. این را هم بگویم که امضاها در حال حاضر ۲ هزارتا شده‌اند. اگر امکانات اتحادیه بیشتر بود، امضاها نیز خیلی بیشتر از این بودند. این ۲ هزار امضا، از اول اسفند تاکنون است.

مصاحبه‌گر: مهیندخت مصباح

جامعه / حقوق | ۱۷-۰۳-۲۰۰۸

دویچه وله